

«سیریزا شماره ۲»

یونان: تلاش تازه برای فریب مردم

هنگامی که نظام از چرخ پنجم «چپ» خود استفاده می کند

منبع اولیه:

<http://www.sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=600719>

این مطلب در نشانی زیر نیز در دسترس است:

<https://eb1384.wordpress.com/2015/09/05/سیریزا-شماره-۲/>

برای پیکای حوادم سیاسی یونان نگاهی به برخی واقعیتها از تاریخچه سیریزا ضرورت دارد. سیریزا در نتیجه اتحاد گروههای مختلف ابن الوقت (اپورتونیست) بر پایه حزب سین (مخفف عنوان حزب سینازپیموس، حزب مؤتلفه جنبشهای چپ و سبزها. مترجم) تشکیل گردید. نیروهایی در آن جمع شده اند که در سالهای ۱۹۹۰ تحت تأثیر افکار گارباچوف از سوسیال دمکراتیزه کردن حزب کمونیست یونان و تلاش برای خود انحلالی حزب کمونیست طرفی نبسته، آن را ترک کردند. همچنین، کسانی که قبلا (در سال ۱۹۶۸) تحت تأثیر جریان اپورتونیستی اروکمونیسم حزب کمونیست یونان را ترک کردند، به این نیروها پیوستند.

برنامه حزب سین همیشه سوسیال- دمکراتیک و شامل مدیریت نظام از طریق اصلاحات بوده است.

از ابتدای سالهای ۲۰۰۰ و بعد از آن، بخصوص پس از همپیوندی گروههای مختلف (تروتسکیستی، مائوئیستی و غیره) و تحول حزب سین به حزب سیریزا، این برنامه سوسیال- دمکراتیک در لفافه «تندرو»، «ضد نظام» پنهان گردید. این فرایند پس از سال ۲۰۱۰، با شروع

بحران اقتصادی سرمایه داری تقویت شد. سقوط سریع حزب سوسیال-دمکراتیک پاسوک زمینه جذب بخشی از نیروهای این حزب را فراهم آورد. معضل گمراه کننده «تفاهم آری، تفاهم نه» امکان داد تا سیریزا نیروهای مردمی را بفریبد، طرفه اینکه آن حزب وعده کرد که قادر است عواقب اقدامات سختگیرانه علیه طبقه کارگر را با حفظ کشور در دایره اتحادیه اروپا و تداوم راه رشد سرمایه داری تخفیف دهد. همزمان با این، حزب سیریزا خواست لغو بخشی از بدهی های دولتی را مطرح نمود، یعنی، در واقعیت امر، اذعان داشت که بدهی های انباشته شده توسط دولت توانگران را مردم باید بپردازد.

در سال ۲۰۱۲ در چهارچوب بازسازی صحنه سیاسی یونان، سیریزا مورد حمایت برخی بخشهای سرمایه داری قرار گرفت و رأی انتخاباتی آن تقویت شد. در ماه ژانویه سال ۲۰۱۵ در انتخابات به پیروزی رسید و با حزب «یونان مستقل» که استخوانبندی اصلی آن را حزب «دمکراسی جدید»، حزب محافظه کار دارای تمایلات ناسیونالیستی تشکیل می دهد، دولت ائتلافی تشکیل داد.

پس از شش ماه حاکمیت دولت ائتلافی سیریزا- «یونان مستقل»، مردم یونان با ۳ تفاهمنامه جدید که آنها نیز ناظر بر اتخاذ تدابیر ضد کارگری- ضد ملی می باشند، مواجه شدند.

رویدادهای یونان در ماههای اخیر مدیریت بورژوازی سیریزا بصورت بسیار واضحی از شکست کامل سیاستی گواهی می دهد که هم ادعای خدمت بخلق دارد و هم خدمت به انحصارات. در یونان فرضیه ای سقوط کرد که در چهارچوبه مدیریت بورژوائی، در مجموعه اتحادیه اروپا و اتحادیه های امپریالیستی، و در شرایط وحشیگری سرمایه داری مدعی پیشبرد خط و مشی دولتی در سمت منافع خلق بود.

حزب کمونیست یونان شکست سوسیال-دمکراسی جدید را در کمال دقت پیش بینی کرده و هشدار داده بود.

بازیهای سیاسی سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ که بازیگر اصلی آن سیریزا بود، به همین نحو آغاز شد. همین بازیها در حال حاضر نیز در یونان تکرار می شود. آن را حزب جدید التأسیس «وحدت خلق» برهبری پ. لافازانیس، وزیر انرژی دولت سیریزا- «یونان مستقل» تکرار می کند. او با اصحاب خود در روز جمعه، ۲۱ ماه اوت، فراکسیون پارلمانی تشکیل داد که ۲۵ نفر از نمایندگان سیریزا بصورت آن در آمدند. حزب جدید در عین حال برای جذب چپهای دارای

دیدگاه تندروانه که تا زمانهای اخیر به توهامات سیریزا و دولت آن باور داشتند و تصور می کردند که انگار چشم انداز خط و مشی خدمت به منافع خلق را می گشاید، تلاش می کند. حزب «وحدت خلق» باز گشت به ارز ملی را بمثابه راه خروج از وضعیت کنونی مطرح نموده و نظرات و پیشنهادات مختلف نئوکینزی را که در سالهای اخیر سیریزا هم بمنظور اشاعه گسترده توهم پیرامون امکان مدیریت چپ سرمایه داری به نفع مردم را بکار بست، باز تولید می کند.

این انشعاب در سیریزا بواسطه نیروهایی بوقوع پیوست که تا چندی پیش در کابینه دولت سیریزا- «یونان مستقل» در اکثریت بوده، دو تفاهمنامه اول را با دقت تمام محقق ساخته و تصمیم عاجزانه مبنی بر تدوین تفاهمنامه سنگین سوم گرفتند.

این نیروهای موجود در داخل سیریزا با عنوان پلاتفورم چپ، توافقنامه ۲۰ فوریه دولت با اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی دایر بر اجرای همه تصمیمات ضد کارگری مندرج در دو تفاهمنامه اول را، و تمامی الزامات مورد نیاز سرمایه بزرگ را تأیید کردند.

آنها در طول تمامی این مدت هنگام تدوین تفاهمنامه جدید با همه پیشنهادهای دولت به ترویکا (سه گانه) موافقت کردند. این پیشنهادات نیز شامل تدابیر سخت ضد کارگری بودند. و چنین موضعی تا لحظه استعفای سیپراس، نخست وزیر حفظ شد.

زمانی که دولت سیریزا- «یونان مستقل» به آمریکا و ناتو وعده تأسیس پایگاه نظامی در دریای اژه را دادند، این نیروها سکوت کردند؛ هنگامی که دولت با آمریکا و اسرائیل رزمایش مشترک نظامی سازماندهی کرد، سکوت کردند؛ در زمان رأی گیری به پیشنهاد تحریمهای اتحادیه اروپا علیه روسیه، آنها رأی مثبت دادند؛ هنگامی که وزیر دفاع اظهار داشت، که کشور در همه مأموریتهای امپریالیستی ناتو و اتحادیه اروپا شرکت خواهد کرد، سکوت کردند.

اکنون آنها با اعلام شرکت مستقل خود در انتخابات ۲۰ سپتامبر، مثل «دختران فریب خورده» و بعنوان سخنگویان راستین «رادیکالیزم» سیریزا رفتار خواهند کرد.

بالاخره، این نیروی سیاسی چه پیشنهادی دارد؟ بر خلاف سیریزا که تاکنون بر حفظ کشور در منطقه یورو تأکید می کند، حزب وحدت خلق در باره «خروج منظم از منطقه یورو، در صورت لزوم»، سخن می گوید. اما آن بهیچوجه مسئله خروج کشور از اتحادیه اروپا و قطع راه توسعه سرمایه داری را مطرح نمی کند. چرا حزب «وحدت خلق» در مورد «خروج منظم از منطقه

یورو، در صورت لزوم»، سخن می‌گوید؟ همانطور که رئیس حزب «وحدت خلق»، پ. لافازانیس اظهار داشت، «با چشمک زدن» به سرمایه، اگر چنین گامی برای رشد اقتصاد سرمایه داری ضروری باشد، برداشته خواهد شد. علاوه بر آن، حزب «وحدت خلق» یکسری تدابیر شناخته شده نئوکینزی در اداره سرمایه داری را، مثلاً، «اجتماعی کردن بانکهای دارای توان توسعه» را، با تأکید بر اینکه بانکها می‌توانند به «مؤسسات خیریه» بدل شده، پولهای «تازه» دولتی را برای حمایت از بازسازی اقتصاد منفور سرمایه داری بپردازند، باز تولید می‌کند. بدین ترتیب، آنها با کاهش حقوق اجتماعی، کاری و درآمد ملی بمنظور بازسازی سودآوری سرمایه داری، با چشم فروبستن بر قوانین پایه ای حرکت اقتصاد سرمایه داری که دائماً به «قربانیان» تازه از میان زحمتکشان نیاز دارد، در میان خلق توهم پراکنی می‌کنند.

در نهایت، حزب وحدت خلق بسهم خود در باره لغو بخش بزرگی از بدهی‌ها با بیان اینکه سایر احزاب نظام نیز این کار را می‌کنند و با اذعان بر اینکه مسئولیت بدهی‌ها بر عهده خلق است و باید آن را بپردازد، در خصوص دادن مهلت تنفس به کشور صحبت می‌کند.

تلاشها برای ساختن سیریزای شماره ۲ هنگامیکه در باره نقش سیریزای شماره ۱ شک و تردیدها بشدت گسترش می‌یابد، اصولاً نمی‌تواند مورد استقبال مردمی قرار گیرد که دوره انتظار دردناکی را طی کرده و اکنون امکانی برای ناامیدی جدید، برای به هدر دادن زمان گرانبها بخاطر بازی با مردم را ندارد.

مردم دارای تجربه و توان نتیجه‌گیری بوده و نمی‌تواند دوباره فریب بخورد. تصمیمات به نفع خلق در داخل نظام سرمایه داری، از طریق تعویض دولتهای بورژوائی، بدون قطع راه رشد سرمایه داری و نظام امپریالیستی نمی‌تواند اتخاذ شود. کسی که سازماندهی مجدد تولید بکمک اقتصادی سرمایه داری را مطرح می‌کند، کسی که با احراز مقام دولتی در خدمت این هدف قرار می‌گیرد، حق ندارد مردم را گمراه کند. کسی که با «چشمک زدن» به بخشهای سرمایه داری، برای حفظ یونان در چنبره سرمایه داری با ایده ارز ملی لاس می‌زند، مستقل از آنکه این اتفاق خواهد افتاد یا نه، مستقل از اینکه این امر در داخل یونان یا در محدوده منطقه یورو روی خواهد داد یا نه، مردم را به سوی فقر سوق می‌دهد. بدین سبب باید تلاشهای آنها برای کشاندن مردم بسوی انتخاب دیگر، به انتخاب برای تأمین منافع سرمایه داری را عقیم گذاشت.

لایه های فقیر اما مصمم مردمی نباید تماشاگر یک نمایش و همان نمایش تکراری بوده و ناامید مجدد را تجربه کنند. آنها باید همه روزه در مبارزات مؤسسات و محلات کارگری، و همچنین در انتخاب پیش رو با اطمینان قوی، بیشتر از هر وقتی شرکت کرده، از حزب کمونیست یونان حمایت نمایند. آنها می توانند به حزبی که هیچگاه به آنها خیانت نکرده و از مبارزه در راه دفاع از منافع ملی خودداری ننموده، اعتماد کنند.